

عتیق الله نایب خیل

سیدنی

پیام تسلیت به حاکمان حالیه و ماضیه ملک افغان؛ آقایان اشرف غنی و حامد کرزی!



اطلاع حاصل نمودیم که ملا محمد عمر جان، برادر ناراض و کوچک جلالتمآبان و سرکرده یاغیان ملک خداداد افغان، داعی اجل را لبیک گفته و با دار فانی زحمت وداع به خود هموار فرمودند.

موصوف از چهره های سرشناس ورزش تروریسم در کشور بوده و نه تنها پیروان شان را به انتحار و انفجار تشویق و ترغیب فرموده اند؛ بلکه حاصل زحمات و عرق ریزی شباروزی شان در وجود هزاران کشته و تبدیل کشور به یک ماتم خانه عظیم و بیکران به حاصل نشسته است، که توشه راه آخرت شان باد!

گرچه جلالتمآبان شان از واقعه المناک وفات آن برادر ناراض شان دیرتر مطلع گردانیده شدند؛ که سبب پریشان حالی و دغدغه خاطرما را نیز فراهم آورد. اما؛ رعیت افغان شاهد هست که ذات ملوکانه شما ها در زمان حیات مرحومی از هیچ گونه غم خواری و برائت دادن به ایشان امساک و دریغ نفرموده اید.

به نیکوئی می دانیم که کوچکترها خطا می کنند و بزرگترها عفو؛ و شما جلالتمآبان در ایام ماضیه، شناعت کردار آن برادرک کوچک تان را یا به دیده اغماض نگریسته اید و یا وقتی که اغماض ممکن نبوده، عفو ملوکانه شامل حال اوشان کرده اید. ازین بابت بنده گان ستمدیده و داغ دیده و در به در و خاک بسر ملک افغان مداوما" از شما مشکور و ممنون بوده اند؛ که درین جا با اشارت به مشتی از

نمونه خروار اکتفا کرده می شود که از چشم تیز بین رعایا پنهان نمانده که در ملک بدخشان و وردک، سربازان حقیربی نام و نشان رعیت افغان سر بریده شدند و شما بزرگواران و خادمان رعیت و مملکت، خون ده ها سرباز گمنام وطن را به مشارالیه بخشیدید و آب از آب تکان نخورد و سخن ناصواب و از روی خصم عنایت نفرمودید که خاطر مبارک جناب امیرالمؤمنین را مکدر و قلب رقیق ایشان را جریحه دارساخته باشد. و اگر رعیتی از رعایا از فرط جاهلیت و حسادت انگشت انتقاد به جانب ایشان نشانه رفتند، در همان دم چنان میخ فحش و دشنام بر فرقتش کوبیدید که دیگر از سنگ صدا برآمد و از رعیت نه.

این که محمد عمرجان در ملک اجنبی پاکستان و بستر بیماری از تیمساری و شفقت برادر مهتر جلالتمآبان، جرنیل شوکت مقام اشفق جان کیانی بهره مند گردیده، باید مراتب شکران و سپاس از ایشان بجا آورده شود. اما، طوری که قبلاً" اشاره گردید، هیچ انسانی از خطا خالی نیست، شاید آن مشفق مهربان نیز به اشتباه آمپول زهری را در وجود مبارک عمرجان تزریق فرموده باشند که سبب ساز مرگ ایشان گردیده. این را نیز دانسته گردیده ایم که هیچ کسی را از مرگ گریزی نیست و هر کسی به علتی از علل سر در نقاب خاک کشد. شاید عمرجان روزی و یا باری از فرمان برادر مهتر سرکشی فرموده، و مغضوب ایشان قرار گرفته که به عقوبت چنین اسفناک و ناخواسته گرفتار آمدند. فکر ما قاصر و توانمندی ما قادر نیست که تا آنجاها ره ببرد و به علتی از علل دست یابد.

کمبود ایشان را یک ضایعه بزرگ و جبران ناپذیر به خانواده تروریستان و یاغیان مملکت دانسته و متوقع هستیم، مانند همیشه، یک بار دیگر به رعیت افغان منت ارزانی فرموده و مدال بهترین یاغی و تروریست کشور به سینه ایشان آویخته گردد؛ تا باشد که سبب تشویق و تشجیع بازمانده گان بر ادامه راه ایشان گردیده و رسم نیکوی انتحار و انفجار درملک خداداد افغان به پایان نرسیده و تا ابدالابد دوام داده شود؛ و شمایان نیز از دعای رعیت دعاگوی افغان فراموش نگردیده باشید.